

محتوای نامه‌های امام حسین علیه السلام به مخالفان خود

دکتر سیده سوسن فخرایی^۱

حسین نامور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۴

چکیده

نامه‌هایی که امام حسین علیه السلام به افراد مختلف نوشته از مکاتبات مهم ایشان است. مضامین این نامه‌ها، حاوی نکات برجسته از نگاه امام علیه السلام به نظام بنی‌امیه و تصریح غصبی بودن امارت آنان، هشدار به حکام جور برای عدم انحراف از سنت نبوی، حمایت جدی از صحابی اهل بیت علیهم السلام و بیان اوصاف رذیله آل ابی‌سفیان بوده است. این پژوهش با روش تحلیل محتوا و با هدف رسیدن به زوایای مختلف دیدگاه امام علیه السلام در عصر خود نسبت به مخالفان، برشمردن ابعاد مختلف شخصیتی ایشان، معرفی انحرافات دستگاه بنی‌امیه، چرایی وجوب جهاد و بررسی دلیل مخالفت امام حسین علیه السلام با بنی‌امیه انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: امام حسین علیه السلام، مکاتبات، بنی‌امیه، تحلیل محتوا،

معاویه، عاشورا، یزید.

۱. استادیار تاریخ اسلام دانشگاه پیام نور. S-FAKHRAIE@YAHOO.COM
۲. کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه پیام نور. SEIN.NAMVAR@YAHOO.COM

مقدمه

درباره نامه‌های امام حسین علیه السلام مطالعات گوناگونی صورت گرفته است. هرکدام از این پژوهش‌ها به زوایای مختلف این مکاتبات پرداخته و اهداف آنها را بیان نموده‌اند. این پژوهش به مخالفان اصلی و قسم خورده و شناخته شده امام علیه السلام و به بررسی علت مقابله ایشان با مخالفین پرداخته است. نامه‌ها و مکتوبات در بررسی‌ها از ارزش و اعتبار بالایی برخوردار بوده و دلیل اصلی آن نیز منحصر بودن راه ارتباطی بین اقوام، طوایف، حکومت‌ها و اشخاص است. در این نامه‌ها نگرش افراد از جمله نویسندگان و به اعتبار وی، شناخت کافی از گیرنده مشخص می‌شود. امام حسین علیه السلام در زمان خود، موافقان و مخالفانی داشته است که به وسیله نامه نسبت به انتقال منویات خود اقدام کرده و نامه‌های قابل توجه و ارزشمندی از ایشان برجای مانده است.

مسئله اصلی این پژوهش، بررسی محتوای نامه‌های امام علیه السلام به سایرین بوده که منحصرأ مکاتبات با مخالفین ایشان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. برای جمع‌آوری و شناسایی نامه‌ها به کتاب *مکاتیب الائمه* مرحوم آیت الله علی احمدی میانجی (۱۳۸۵) که جلد سوم آن به نامه‌های امام حسن علیه السلام تا امام محمد باقر علیه السلام اختصاص دارد و مجموعه‌ای از نامه‌های امام حسین علیه السلام را عیناً و بدون تحلیل آورده است، مراجعه شده؛ ضمن اینکه از منابع دیگر نیز برای استخراج نامه‌ها مورد استفاده قرار گرفت. اگرچه وصیت‌نامه‌ها در حکم نامه نبود؛ ولی در این جستار از آنها با عنوان ابزار ارتباطی نام برده شده است. شش فقره از نامه‌های امام علیه السلام در این پژوهش مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است که صرفاً مشمول مخالفین حضرت می‌شود.

بیان مسئله

نامه‌های ائمه علیهم السلام از جمله اسناد رسمی برای تحلیل هستند و با دستیابی به متن اصلی نامه‌ها، می‌توان به مواضع ایشان در حوزه‌های مختلف اعتقادی و رفتاری پی برد. در این پژوهش مکاتبات امام حسین علیه السلام مورد بررسی قرار گرفته و به لحاظ محتوایی واکاوی شده است. در بررسی صورت گرفته ضمن اینکه گیرنده نامه، منصب و مقام

مخاطبین مشخص می‌شود، نوع برخورد امام علیه السلام در آن مقطع حساس نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که محتوای نامه‌های امام حسین علیه السلام چگونه است؟ و به دنبال آن دو سوال فرعی، نامه‌نگاری در صدر اسلام از چه جایگاهی برخوردار بوده است؟ و محتوای نامه‌های امام حسین علیه السلام چه موضوعاتی را دنبال می‌کند؟، نیز پاسخ داده خواهد شد. این پژوهش اهداف زیر را دنبال می‌کند:

- ۱- رسیدن به نوع مکاتبات امام حسین علیه السلام به لحاظ محتوایی.
- ۲- بررسی حوادث و جریان‌ات قبل از حرکت بزرگ امام حسین علیه السلام.
- ۳- آشنایی با شیوه‌ای که امام علیه السلام در مقابل دستگاه جور و ظلم بنی‌امیه به‌کار می‌بردند.

پیشینه پژوهش

از آنجایی که پژوهش حاضر به تحلیل و بررسی محتوایی نامه‌ها پرداخته، فاقد پیشینه دانشگاهی و حوزوی تحقیقی است و به جز مقالات متفرقه عمومی، تا به حال به شکل مدون و تجمیعی مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته و هر محقق به‌طور جداگانه به یکی از نامه‌ها پرداخته است. نامه‌های ائمه علیهم السلام و از جمله امام حسین علیه السلام در منابع مختلفی آمده است که می‌توان به جلد سوم کتاب *مکاتیب الائمة* آیت‌الله احمدی میانجی اشاره کرد؛ در کتاب *رسائل الائمة* محمد بن یعقوب کلینی (متوفای ۳۲۹) و کتاب *معادن الحکمه فی مکاتیب الائمة* فیض کاشانی (متوفای ۱۱۱۵) نیز تعدادی از نامه‌ها درج شده است؛ اما در سایر مقالات و تحقیقات علمی مرتبط با این موضوع، کار پژوهشی انجام نشده است.

معرفی روش تحلیل محتوا

صاحب نظرانی مانند برنارد برسون، پیتر اسلندر، ویمر، دومینک و هولستوی از جمله نویسندگانی هستند که نظریاتی در باب تحلیل محتوا مطرح کرده‌اند و ماحصل تحلیل‌های خود را، با معیارهای ذیل و در تقسیم‌بندی کاربردهای آن در نظر داشته‌اند.

«الف: به لحاظ سطح تحلیل: ۱- توصیفی ۲- استنباطی

ب: به لحاظ تعداد منابع: ۱- مورد پژوهی ۲- تطبیقی

ج: به لحاظ دوره زمانی: ۱- مقطعی ۲- دو مقطع زمانی ۳- روند پژوهی» (محمدی،

۱۳۸۸: ۲۸)

بر اساس این تقسیم بندی، تحلیل محتوا به یکی از این کاربردها محدود نمی شود؛ بلکه ترکیبی از آنها را در بر می گیرد. روش پژوهش حاضر توصیفی بوده و در نتیجه گیری نیز از روش استنباطی بهره گرفته شده است. از آنجایی که از چند منبع مختلف استفاده شده است و با توجه به تعمیم آن به لحاظ تأثیرگذاری جریان قیام حضرت امام علیه السلام در طول تاریخ و مرتبط بودن با ظلم ستیزی و آزادی خواهی که سرشت بشریت است، در این تحقیق می توان از همه کاربردهای تحلیلی فوق الذکر استفاده کرد.

امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام بنا به روایات متعدد، در سوم شعبان سال چهارم هجرت در مدینه النبی متولد شد. جد بزرگوار ایشان، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم پیامبران الهی و پدر ارجمندش با نام پرآوازه مولا امیرالمؤمنین، علی ابن ابی طالب علیه السلام و مادرش خیرالنساء، بضعه رسول الله، فاطمه زهرا علیها السلام است. علامه مجلسی در *بحار الانوار* (جلد ۴۴ صفحه ۲۰۱)، تاریخ فوق را تأیید کرده است که با تطبیق میلادی، ۱۱ ژانویه سال ۶۲۶ و به سال خورشیدی ۲۱ دی ماه سال ۴ شمسی است. امام حسین علیه السلام با این عقبه گران قدر در جامعه عربی آن روز افضل انسان ها بوده است؛ ضمن اینکه امام سوم شیعیان علیه السلام، «یکی از چهارده معصوم و از اصحاب کساء بوده و به سید جوانان اهل بهشت نیز ملقب شده است» (خوارزمی، ۱۴۲۳: ۴۲؛ حائری مازندرانی، ۱۳۹۰: ۱۰۲). «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نام وی را شبیر (برگرفته از نام پسر هارون) نامید» (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۵؛ حائری مازندرانی، ۱۳۹۰: ۱۰۵؛ مجلسی، ۱۳۱۵: ۱۶۲).

امام حسین علیه السلام پس از گذراندن سنین کودکی و ازدست دادن سایه پرمهر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و سپس مادر بزرگوار و پدرش حیدر کرار، در رکاب برادرش امام حسن مجتبی علیه السلام

زندگی کرد و همواره تابع فرامین ایشان بوده است. از آنجایی که امام حسن علیه السلام با معاویه عهدنامه امضا کرده بود، هر دوی این بزرگواران تا زمان زنده بودن معاویه، از حکومت فاصله گرفته و تکالیف غیرسیاسی امامت مسلمین را برعهده داشتند.

امام حسین علیه السلام بعد از مرگ برادرش، از سوی اهالی کوفه به قیام دعوت شد (احمدی میانجی، ۱۳۸۵: پیوست ۱۶) لیکن وی تا مرگ معاویه صبرپیشه کرد و هیچ وقت معاویه را به رسمیت نشناخت. پس از مرگ معاویه و معرفی یزید بن معاویه به عنوان خلیفه، امام حسین علیه السلام به مخالفت با وی برخاست و از بدعهدی معاویه به مسلمین هشدار داد و در همه محافل و مجالس، مخالفت خود را علنی کرد. یزید بن معاویه برای اخذ بیعت با امام حسین علیه السلام اقدام به تحرکات ایذایی نمود و نقشه قتل امام علیه السلام را در مدینه و مکه به والیان خود ابلاغ کرد (دینوری، ۱۳۸۰: ۱۱۲)؛ اما امام حسین علیه السلام به دعوت بی شمار کوفیان راهی عراق شد؛ دستگاه بنی امیه نیز متقابلاً با اعزام عبیدالله بن زیاد به کوفه و جمع آوری قشون بی حد به مقابله با امام علیه السلام در صحرائی گرم و سوزان پرداخت و در یک رویارویی غیرمتوازن و نابرابر، در روز عاشورای ۶۱ هجری امام حسین علیه السلام، یاران و فرزندانش پس از مقاومت بسیار به شهادت رسیدند. این حادثه عظیم در تاریخ ماندگار و مبنای همه حرکت های آزادی بخش جهان شد؛ ضمن اینکه دستگاه حکومتی بنی امیه تحت تأثیر همین جریان، دائماً ناپایدار بود تا اینکه منقرض شد.

تحلیل محتوای نامه های امام حسین علیه السلام

یکی از آثار ارزشمند و ماندگار نامه علیه السلام مکاتباتی است که به مخاطبان خود می نوشته اند. متن این نامه ها حاوی درس هایی می باشد که الگوی اعتقادی و رفتاری همه بشر شده است. امام حسین علیه السلام حدود ۲۸ نامه در زندگی پُرفراز و نشیب خود نوشته است که اکثر این نامه ها پیرامون بستر سازی قیام عاشورا بوده و در بین نامه ها، بخشی را به دوستان و تعدادی را به مخالفان خود نگاشته است. از جمله نامه های آن حضرت که مورد بحث این پژوهش می باشد، نامه هایی است که به معاویه بن ابی سفیان، والی شام یا به تعبیر آن والی، خلیفه بلامنازع اسلام و فرزند وی یزید بن معاویه و سعید بن عاص،

فرماندار مکه نوشته است که بسط مفاهیم نامه با توجه به منابع کثیری که به آنها پرداخته‌اند از جذابیت ویژه‌ای برخوردار است و هدف این مقاله نیز بررسی محتوای این مکاتبات می‌باشد.

پس از صلح امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام کاملاً مطیع برادر خود بود و سابقه‌ای از مداخله در جریان‌ات سیاسی در این دوره از امام حسین علیه السلام مشاهده نشده است. آنچه موجود است به بعد از شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام برمی‌گردد (شیخ مفید، ۱۳۷۶: ۲۹) که جدول ذیل، جهت‌گیری‌ها و نکات برجسته مدنظر حضرت امام علیه السلام را نشان می‌دهد.

ردیف	جهت‌گیری	موضوع	شرح
۱	رفتاری	غصبی بودن حکومت معاویه	نامه مصادره اموال معاویه
۲	رفتاری	عدم مشروعیت حکومت معاویه	"
۳	رفتاری	عدم نقض صلح برادر	"
۴	رفتاری	عدم ترس از معاویه	"
۵	رفتاری	جنگ سرد با معاویه	"
۶	رفتاری اعتقادی	پای‌بندی معاویه به عهد جاهلی / پای‌بندی به ارزش‌های اسلام / ملامت معاویه از نافرمانی خدا	نامه به معاویه در خصوص ازدواج با کنیز
۷	رفتاری	برملاکردن جنایات معاویه / فتنه نامیدن معاویه / وجوب جهاد با معاویه / نابودی دین با اقدامات معاویه	اعتراض به معاویه
۸	رفتاری	بیان اوصاف یزید / شرح شرایط والی مسلمان / بدعهدی معاویه برای جانشینی / عاقبت شوم ستمگری	نامه اعتراضی به معاویه
۹	اعتقادی	نیت خیر / عاقبت خیر / عدم فتنه‌گری / برتر داشتن امان الهی / ترس از خدا برای سعادت	نامه اعتراضی به فرماندار مکه و ارشاد وی
۱۰	اعتقادی	کافر دانستن یزید	نامه اعتراضی به یزید

نامه امام علیه السلام در خصوص مصادره اموال کاروان یمنی

امام حسین علیه السلام در نامه‌ای به معاویه بن ابی‌سفیان در خصوص توقف کاروان یمنی که اموالی را اعم از زیورآلات و عطریات به دمشق می‌برد، چند نکته را مطرح می‌کند که در محتوای نامه، دو پیام مهم - غصبی بودن حکومت معاویه و مشروعیت نداشتن حکومت

بنی‌امیه - را به دستگاه خلافت بنی‌امیه ابلاغ می‌کند.

تاریخ تمدن اسلام از نظر جریان سیاسی به دو دوره بزرگ تقسیم شده است:

الف: از ظهور اسلام تا سقوط عباسیان در بغداد و استیلای مغولان بر ممالک اسلامی

ب: نهضت سیاسی اسلام و پس از آن سقوط حکومت عثمانی‌ها و اجتماع مسلمانان

در تحت حاکمیت شیعیان صفوی

بحث اصلی در این خصوص، بررسی دوره اول می‌باشد که تا انقراض بنی‌امیه به طول انجامیده است (جرجی زیدان، ۱۳۷۲: ۶۴۷-۶۴۸). «در این دوره خلفای راشدین بر مسلمانان حکومت می‌کردند و همه اقوام و طوایف با هر رنگ و نژادی زیر یک پرچم جمع شده بودند. مزیت آنان، دین و ایمان و جهاد بوده و طبقات مردم را از روی سوابق دینی آنان درجه بندی می‌کردند؛ طبقاتی چون مهاجران، انصار، اهل بدر و اهل قادسیه از شهرت بیشتری برخوردار است» (همان، ۶۴۷-۶۴۸). بنا به گزارش تاریخ، مبنای سیاست، عدالت و تقوی بوده و امام حسین علیه السلام در این نامه همین مطلب را به عنوان عدم ذی‌حق بودن معاویه در تصرف و تملک اموال مسلمین تصریح نموده است. چرا امام حسین علیه السلام که فاقد حکومت رسمی بوده و از طرفی اخلاق مدارترین شخصیت عالم اسلام است، کاروانی را متوقف و کالاهای آن را مصادره می‌نماید؟

جرجی زیدان معتقد است بنی‌امیه از قتل عثمان بن عفان سوءاستفاده کردند و خلافت را برای خود مصادره کردند (همان، ۶۴۷). این حرکت نشان می‌دهد که معاویه اولین نفر از بنی‌امیه است که ملاحظه جامعه‌ی اسلامی را ننموده و در یک کودتا به این اقدام مبادرت ورزیده است و غصبی بودن حکومت وی و عدم مشروعیت آن آشکار می‌شود. در باب ۴۷۰۵ از کتاب «البر والصله وادلب» در صحیح مسلم آورده شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به معاویه دیدگاه خوبی نداشته و حتی در یک جریان، وی را نفرین می‌کند: «اشبع الله بطنه»؛ خدا شکمش را سیرن سازد. بی تردید هر تحلیل‌گری می‌تواند به عمق رذالت معاویه پی ببرد. در نتیجه، این شخصیت نمی‌تواند در نگاه امام حسین علیه السلام، نوه پیامبر صلی الله علیه و آله نیز پذیرفتنی باشد. معاویه پس از مرگ عثمان، علی‌رغم اینکه جامعه اسلامی با حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام بیعت کرده و ایشان را خلیفه مسلمین شمردند،

با خلیفه برحق مسلمین بیعت نکرد و خود را محق به سرپرستی مردم مسلمان دانست. وی در جنگ صفین، مقابل حضرت علی علیه السلام ایستاد که این خود شروعی برای غصب کردن مسند خلافت بود و سپس با فرزند حضرت علی علیه السلام یعنی امام حسن مجتبی علیه السلام به مقابله پرداخت و در یک جریان سازی، وی را مجبور به صلح نمود. امام حسین علیه السلام در این مدت شاهد و ناظر همه این اتفاقات بود؛ از این رو مقبولیت و مشروعیت حکومت معاویه را برنتابید و خود را محق به اجرای فرامین الهی دانست و خلیفه غیرقانونی شام را غاصب دانست.

امام حسین علیه السلام در تصاحب کاروان یمن، به معاویه و همه اهل عالم اعلام می‌کند که صاحب اصلی این کاروان کسی است که جانشین به حق پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و اوست که می‌تواند در آن دخل و تصرف کند.

۱- تقسیم اموال عمومی برای خویشان

در این نامه، امام علیه السلام به نکته‌ای ظریف اشاره می‌کند و آن اینکه شما اموال مردم را به نفع فرزندان پدرت مصادره خواهی کرد و یا اینکه از این محل، فرزندان پدرت را سیر می‌کنی. در این مطلب، چند نکته در ذهن شکل می‌گیرد و آن اینکه حکومت بنی‌امیه و در رأس آن معاویه، حقوق عامه مردم را ملاحظه نکرده و چیزی که برایشان مهم است فقط بستگان و اقربای خویش است. این روش را خلیفه سوم نیز تقویت کرده بود که موجب شد معاویه به تقلید از وی این کار را انجام دهد.

بیت‌المال در صدر اسلام، «خزانه محلی» نامیده می‌شد و همه مسلمانان در این خزانه حق داشتند. بنیان بیت‌المال در زمان ابی‌بکر، خلیفه اول نهاده شد. در زمان عمر بن خطاب، محلی از مسجد را برای بیت‌المال اختصاص دادند. در دوره این دو خلیفه، رعایت حقوق عامه صورت گرفت. «در زمان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، مجدداً تقسیم بیت‌المال به نحو صحیح آن بین مسلمانان احیا گردید و امام علی علیه السلام، محلی را که به عنوان بیت‌المال تعیین کرده بود، پس از تقسیم، جارو می‌نمود و در آن نماز می‌خواند» (مجلسی، ۱۳۱۵: ۱۱۳).

۲- جنگ سرد با معاویه

انعقاد عهدنامه امام حسن علیه السلام با معاویه جای بحث دارد چرا که معاویه آن را نقض عهد کرده و به نحوی باطل شده بود؛ با این حال، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام اخلاقاً به آن پای بند بودند. بعد از شهادت امام حسن علیه السلام، جریان سازی های سیاسی بیشتر به صورت سرد اتفاق می افتاد و در تاریخ، درگیری و نزاع نظامی بین امام علیه السلام و معاویه گزارش نشده است (شیخ مفید، ۱۳۷۶: ۸۹). یکی از اقدامات مهم امام علیه السلام در این دوره، نگه داشتن قافله ای بود که از یمن به سمت دمشق در حرکت بود. امام علیه السلام به این وسیله می خواست به همه مسلمانان اعلام کند که سرسازش با معاویه ندارد و اگر جایی مصلحت ببیند، مقابله خواهد کرد؛ هر چند قصد درگیری نظامی با معاویه را نداشته است.

۳- عدم ترس از معاویه

معاویه بعد از جریان حکمیت، خود را خلیفه مسلمانان نامید و مردم شام نیز از او به عنوان خلیفه یاد می کردند؛ بر همین اساس، از قدرت پادشاهی برخوردار شده بود و عملاً تاخت و تازهای فراوانی برای جلب سایر ملل انجام می داد و بسیاری از بزرگان آن روز بدون اجازه معاویه جرأت هیچ کاری نداشتند. امام علیه السلام شجاعانه بعد از تصاحب قافله، نامه ای به معاویه می نویسد و از توقف کاروان و مصادره اموال آن به نفع مسلمین به وی خبر می دهد. به تعبیری این اقدام نشان می دهد که اگر امام علیه السلام قصد تقابل نظامی با معاویه داشته باشد، واهمه و اضطرابی برای این کار ندارد؛ لیکن به تعهد برادر بزرگوارش پای بند است. این اقدام امام علیه السلام در توقف قافله، هشدار باش آشکار و قدرتمندی است که به معاویه داده شد. معاویه خود می داند که نمی تواند به مقابله با منطق امام علیه السلام بپردازد.

نامه به معاویه پیرامون ازدواج با کنیز

امام علیه السلام در این نامه به ایراد معاویه در خصوص ازدواج با کنیز خود می پردازد و معاویه بیش از آنکه توانسته باشد امام علیه السلام را مورد عتاب قرار دهد، خود با ادله زیبای امام علیه السلام از صحنه خارج می شود و قافیه ای را که خود شروع کرده، می بازد. امام علیه السلام در این نامه به چند

نکته اشاره می‌کند:

۱- مذمت معاویه در خصوص پای بندی به عهد جاهلی

معاویه در هنگام زمامداری بیشتر شبیه پادشاهان بود. این تعبیر را سعد بن مالک در هنگام بیعت با معاویه در مسجد کوفه به کاربرد و گفت: «السلام ای پادشاه»، معاویه به خشم آمد و گفت: «چرا نگفتی امیرمؤمنان؟» و ایشان گفت: «این در صورتی بود که ما تو را امیر کرده باشیم؛ در حالی که خود بدین کار پریده‌ای» (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۵۶). معاویه همه تلاش خود را معطوف به بازگشت مردم به سنت جاهلیت کرد. اولین کاروی این بود که تعصب عربیت، قومیت و ملیت عربی را که اسلام نفی کرده بود، احیا کند. امام علیه السلام در این نامه به معاویه در خصوص اینکه نباید با کنیز خود ازدواج کند، تذکر می‌دهد و می‌گوید که این کار طبق سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و با کنیز آزاد کرده خود ازدواج نموده است و برتری انسان‌ها به شرافتی است که خدا به آنها داده است. معاویه در زنده کردن سنت جاهلیت به نحوی تلاش می‌کرد که بتواند آثار اصلی رسالت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را از بین ببرد. کار تبعیض در حکومت وی به جایی رسید که نوشت: «تا عرب وجود دارد، غیر عرب هر که هست، حق امامت جماعت ندارد» (مطهری، ۱۳۷۶: ۲۹۲).

۲- معاویه و فاصله با ارزش‌ها

امام حسین علیه السلام در این نامه به معاویه گوشزد کرده است که قریشی بودن ارزش حساب نمی‌شود. قریش طایفه‌ای از اعراب بود که چند شاخه شده بود و به واسطه نفوذ در میان اعراب، وابسته بودن به آن یک افتخار بود و موجب فخر به دیگران می‌شد. امام علیه السلام فرمود که ارزش فقط در پیوند با رسول خدا صلی الله علیه و آله است و بالاتر از آن وجود ندارد. از این مهم‌تر اینکه اثبات نسبت بنی‌امیه با قریش و خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله قابل تردید است (مجلسی، ۱۳۱۵: ۱۷۰). ضمن اینکه امام علیه السلام به صراحت این انتساب به قریش را موجب فضیلت نمی‌داند.

۳- ملامت و سرزنش معاویه

امام علیه السلام در این نامه، خود را از ملامت معاویه تبرئه و با ادله محکم، مندرجات نامه وی

را مردود می‌داند؛ از طرف دیگر موجبات ملامت و سرزنش وی را فراهم می‌کند. ایشان سرزنش را درگناه کردن می‌داند؛ حال آنکه ازدواج با یک فرد آزاد مسلمان گناه نیست؛ این ازدواج، سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و دیدگاه معاویه مبنی بر رسوم جاهلی است و هیچ جایگاهی در دین اسلام ندارد.

۴- پاداش آزاد کردن برده

از آنجایی که معاویه خلافت را به پادشاهی تبدیل کرده و در دربارش حشم و خدم جمع کرده بود، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در این نامه، این موضوع مهم که خداوند برای آزاد کردن کنیز به انسان پاداش می‌دهد را به وی متذکر می‌شود و می‌فرماید: آن کنیز من بود که به موجب امری که خداوند در آن پاداش می‌دهد، آزاد شد. حکیم بن ابی نعیم، از حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام این ارزش را بازگو کرده است (طوسی، ۱۳۸۸: ۲۶).

نامه به معاویه در اعتراض به او

امام عَلَيْهِ السَّلَام در این نامه به جنایات معاویه و کشتن صحابی خاص پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیر المؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام اشاره کرده و نکات مهمی را به او تذکر می‌دهد؛ خداست که کار خیر و شر را راهنمایی می‌کند. امام عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید که شما گفته‌ای: کاری را انجام دادم که به آن سزاراوار نیستیم؛ در حالی که این تشخیص در حیطه شما نیست. راهنما و هدایتگر همه، خداست و اوست که می‌داند چه چیزی خیر است و یا غیر آن و مطلب عنوان شده در تخصص تو نیست. این ادبیات در عهد معاویه به آسانی از سوی هر کسی ادا نمی‌شد و امام عَلَيْهِ السَّلَام با تأکید بر عهدی که با پروردگار بسته است و جز او راهنمایی نمی‌داند، این مطلب را بیان می‌کند.

۱- تصریح به عدم مقابله نظامی

امام عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: مطالبی که از من به تو رسیده، صحت ندارد و دستگاه بنی امیه را چاپلوسان و سخن‌چینان و فتنه‌انگیزان احاطه کرده است؛ در حالی که خود می‌دانی اقدامات من برای تهاجم نظامی علیه حکومت ناحق شما نیست؛ هر چند از اینکه با تو

نمی‌جنگم از خدای خود بیم دارم و گمان ندارم که خدا راضی باشد که من قیام و حرکتی انجام نداده‌ام. خدا نیک می‌داند که گروهی ملحد و حزبی ستم‌پیشه بر مردم مسلمان حکومت می‌کنند و راهنمایی ایشان شیاطین هستند و بیان این مطالب کذب جز از این گروه بر نمی‌آید (احمدی میانجی، ۱۳۸۵؛ پیوست ۱۲؛ دینوری، ۱۳۸۰: ۹۵).

۲- بیان جنایات معاویه

در این نامه امام علیه السلام برای روشن‌نگری مردم و بیان جنایات‌های معاویه، اسامی افرادی را که نزد مردم جایگاه معنوی ویژه‌ای دارند و از سوی معاویه مورد خشم و ستم قرار گرفته بودند، ذکر می‌کند تا همگان برگنه و ذات ستمگر خلیفه نامشروع شام پی ببرند. امام علیه السلام می‌فرماید: شما حجر بن عدی را کشته‌ای که دارای چند خصلت ارزنده بود؛ اهل نماز و عبادت و با ظلم و بدعت مخالف بود و در راه خدا از هیچ ملامتی باک نداشت. تا اینجا مطلب به صورت اعتقادی اعم از نظری و عملی اشاره می‌کند و از وی شخصیتی را به تصویر می‌کشد که نشان دهد معاویه یک مرد خدادوست و خداترس را به شهادت رسانده و در این خصوص عملاً رشته مسلمانی خود را پاره کرده است. همچنین عمر بن حمق که صحابی رسول الله صلی الله علیه و آله بود و از کثرت عبادت چهره‌اش زرد شده بود را به اتهام علی دوستی و بازگویی اوصاف برحق ما کشته‌ای و این اعمال را در حالتی انجام داده‌ای که با به‌جا آوردن قسم به آنها امان داده بودی و حرمت سوگند به خدا را از بین برده و امان دادن به عنوان یک شیوه مسلمانی و مردانگی را زیر پا نهاده‌ای و رشته دیگر مسلمانی خود را از هم گسسته نموده‌ای (همان، ۸۸).

بخشی از فرمایش امام علیه السلام به سنت شکنی معاویه مرتبط است، خطاب به وی می‌نویسد: اولاً زیاد بن سمیه را برادر خود خوانده‌ای، حال آنکه ایشان در رختخواب ثقیف متولد شده است. منظور امام علیه السلام در این مطلب به زیبایی بیان شده است. کسی که مشمول فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله است «الْوَلَدُ لِلْفِرَاشِ وَلِلْعَاهِرِ الْحَجَرُ» را به عنوان فرزند پدر خود خوانده‌ای (مسعودی، ۱۳۷۴: ۷۷-۷۸). امام علیه السلام در این نامه به فقرا جداد معاویه نیز می‌پردازد که معاش خود را با همراهی کاروان‌های یمن و شام در تابستان و زمستان تأمین

می کردند و با آمدن دین اسلام، بی نیاز شدند و گروه گروه مردم برای مناسک حج به مکه می آمدند (قریش / ۲؛ إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الِثُّتَاءِ) و از این موهبت بهره بردید.

۳- معاویه فتنه بزرگ است

امام علیه السلام در این نامه به فتنه بودن معاویه اشاره می کند. حضرت می فرماید: من فتنه ای را عظیم تر از حکومت تو نمی بینیم. امام علیه السلام از اینکه با معاویه نمی جنگد، در این بخش از نامه نیز افسوس می خورد که اگر نجنگم، باید در مقابل خداوند بزرگ استغفار کنم. امام علیه السلام در ادامه نامه، از مکر معاویه به خدا پناه می برد و امیدواری می طلبد که به ایشان آسیبی نرسد و می فرماید: تو بر مرکب جهل و ضلالت سوار شدی و از اینکه به تعهدات خود عمل نمی کنی، مسروری و حرص بر نقض عهد و پیمان داری. در اینجا امام علیه السلام به جان خودش سوگند یاد می کند که معاویه در هیچ زمانی به عهد و پیمان وفادار نخواهد بود و چه بسا به عدم تعهد وی به صلح با امام حسن علیه السلام نیز کنایه زده است.

نکته دیگری که امام علیه السلام اشاره دارند این است که جرم این بزرگان قوم و واجدین صلاحیت دینی که معاویه کشته، ارادت به اهل بیت علیهم السلام است و از اینکه از ما به نیکی یاد می کرده اند، موجب خشم و ستم تو قرار گرفته اند.

امام علیه السلام در پایان این نامه به چند مطلب حساس و مهم اشاره می کند:

۱. تهدید می کند که معاویه می بایست آماده قصاص شود و تفاوتی نمی کند در این دنیا یا روز واپسین باشد.

۲. ریز و درشت اعمال معاویه نزد خدا محفوظ است و دفتر خدا هیچ ترو خشکی را فراموش نمی کند. خداوند به درستی می داند که با سوءظن نسبت به دیگران آنان را دستگیر می کنی؛ در حالی که هیچ اطمینانی به جرم آنان نداری و به صرف متهم بودن به قتل آنها مبادرت می کنی؛ حال آن که تا جرم کسی محرز نشده است، قتل و کیفر وی محکوم است.

۳- بیعت با یزید را نکوهش کرده است و شارب الخمر بودن و سگ بازی وی را تصریح می کند و می گوید که این موجود چه شرافتی داشته که از مردم مسلمان برای او

بیعت گرفته‌ای.

۴- خلافت مسلمین را که امانت الهی بود، تخریب نمودی و مردم مسلمان را فریب دادی و فکر کردی به سود رسیده‌ای؛ حال آن‌که نفست به خسران رفت و جز زیان نصیبی نداشته‌ای.

۵- مشاوران خود را افراد جاهل و نادان قرار دادی و به مشورت آنان زندگی و آخرت خود را پایمال نمودی و نسبت به افراد متقی و پرهیزکار ستم روا داشتی و در نظر مردم به خوار کردن آنها اقدام نمودی.

۴- معرفی یزید بن معاویه به مردم

حضرت امام علیه السلام در نامه‌ای مستقل به شخصیت یزید بن معاویه می‌پردازد تا همه عالم این عنصری را که معاویه برخلاف تعهد خود به زعامت مردم برگزیده و از مسلمانان برایش به اجبار بیعت گرفته است، بشناسند. شیوه و روش اولیاء الله هدایت و روشنگری است. حضرت در این نامه ضمن بیان اوصاف زشت فرزند معاویه، به وی تذکر می‌دهد که به امانت الهی (خلافت) خیانت کرده و مردم را نابود نموده است.

۵- امین نبودن یزید به دلیل شراب خواری

در این نامه امام علیه السلام مردم را هوشیار می‌کند که بدانید معاویه فرزند شراب خوارش را که فاسق است و شرارت خواهد کرد، به جانشینی برگزیده است و زمام رهبری امت محمد صلی الله علیه و آله را به چنین فردی سپرده و به تعهد خود به امام حسن علیه السلام پشت پا زده است. شما چگونه انتظار دارید اسلامی که با خون دل‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و رشادت‌های صحابی آن به عالم معرفی شده است، به دست چنین شخصی هدایت شود.

در پایان نامه هم به عاقبت شوم ستمگران اشاره می‌کند و معاویه را از عذاب الهی مصون نمی‌بیند. به صراحت می‌فرماید که والی باید امین و درستکار باشد؛ حال آنکه این شخص به دلایل پیش گفته، نمی‌تواند والی مردم باشد و شرایط آن را ندارد.

نامه به یزید بن معاویه

یزید بن معاویه نامه‌ای را به عبدالله بن عباس و یا عمر بن سعید، حاکم مدینه

می فرستد تا آن را در مراسم حج قرائت کند. مضمون نامه، تسلیم کردن امام علیه السلام و مردم مدینه با روش مسالمت آمیز و فریبنده ای بود که به طبع شاعری یزید آراسته شده بود و امام علیه السلام در پاسخ آن، آیه ای از قرآن را می آورد: **وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ**؛ اگر کفار تورا تکذیب کردند، بگو عمل من برای من و عمل شما برای شماست. شما از آنچه من انجام می دهم بیزارید و من نیز از آنچه شما انجام می دهید بیزارم (دشتی، ۱۳۷۷: ۳۶۲). امام حسین علیه السلام با ذکر این آیه، به صراحت به کفر یزید اشاره کرده و صلح و سازش با کفار را مردود شمرده است. شأن نزول این آیه نیز در خصوص کفار است که به پیامبر صلی الله علیه و آله پیشنهاد کردند: یک سال تو خدای ما و یک سال ما خدای تورا بپرستیم و آیه نازل می شود که هر کس برای خودش امور خود را پیگیری نماید و سازش بین من و شما نیست (کافرون / ۲۸).

نامه به عبدالله عمر بن سعید، والی مکه

در این نامه فرماندار مکه از امام علیه السلام می خواهد تسلیم یزید شود. امام علیه السلام در پاسخ به فرماندار مکه چند نکته را متذکر می شود:

- چنانچه منظورت از پذیرفتن صلح و تسلیم شدن، خیر باشد و هدف حفظ من و مسلمین است، از نگاه خداوند دور نخواهد ماند و پاداش خواهد داشت. امام علیه السلام در این نامه به فرماندار مکه می فرماید: هدف من دعوت مردم به سوی خداپرستی است و کجای برنامه من فتنه انگیزی است. دعوت کننده به سوی خدا، عملش فتنه گری و تفرقه ایجاد کردن نیست.

- از آنجا که حاکم مکه قصد داشت برای امام علیه السلام امان نامه از یزید بگیرد، امام علیه السلام می فرماید: بهترین امان نامه نزد خداست و از همه امان نامه ها بالاتر است؛ پس چه نیازی به امان یزید و اعوان و انصارش دارم؟

- امان آخرت در ترسیدن از خدا در دنیا است. حضرت علیه السلام می خواهد به حاکم بفهماند که از یزید ترس و خداترس باش تا سعادت دنیا و آخرت تأمین شود.

نتیجه

پژوهش حاضر تلاش کرد تا در پرتو بررسی مکاتبات امام سوم شیعیان به مخالفانش به نتایج ارزنده‌ای برسد. شخصیت نام‌آوری مانند امام حسین علیه السلام که نوه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است و در مکتب رسالت رشد کرده و از محضر پدر بزرگوارش، شیره جانش با عدالت تقویت شده است، نمی‌تواند انحراف دین جدش را ببیند و ساکت بنشیند. امام علیه السلام با دقت در سال‌هایی که در خدمت برادر بزرگوارش بوده، همه زیر و بم جامعه اسلامی آن روز را شناخته و نسخه درمانی خود را به مردم ارائه کرده است. در این مکاتبات، به وضوح، فتنه را معرفی کرده و فتنه بزرگتری که معاویه به امت محمد صلی الله علیه و آله تزریق کرده را نشانه رفته است. ابتدا به معرفی معاویه پرداخته و جنایات‌های او را برملا کرده تا در دعوت خود به همراهی عمومی، با تردید مردم مواجه نشود. مردم در صدر اسلام به پیمان‌ها خیلی وفادار بودند و امام علیه السلام با بیان بدعهدی معاویه، شیرازه حکومت او را به هم ریخت. حالا همه می‌دانند که یزید غیر رسمی و نامشروع بر تخت نشسته است. در صدر اسلام، برای اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، حرمت فراوانی قائل بودند و امام علیه السلام با برشمردن اسامی کشته‌هایی که به دست معاویه شهید شده بودند، بی‌توجهی او را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اثبات کرد. مردم به فسق و فجور و می‌گساری حساس بودند و هنوز رگه‌های اصلی اسلام جان داشت؛ از این روح حضرت با برشمردن صفات پست یزید، عدم ذی‌حقی وی را برای زمامداری امت اسلامی اعلام کرد. در این مکاتبات، ضمن بیان حقوق خود و جرم و جنایات معاویه، از هدایت‌گری هم غافل نبود و به نحوی رسالت ارشادی خود را که ذاتی بود، به انجام رساند. در این پژوهش با تحلیل نامه‌های رسای امام حسین علیه السلام، فلسفه قیام و حرکت ایشان در عاشورای ۶۱ تبیین و این نتیجه گرفته شد که برای نجات بشریت از انحراف و آموزش آزادگی و حریت، راهی که امام علیه السلام انتخاب کرده بود، بهترین و تنهاترین راه رستگاری بود.



منابع

- قرآن کریم
- ابن سعد، محمد (۱۳۷۴)، *الطبقات الكبرى*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران فرهنگ و اندیشه.
- احمدی میانجی، علی (۱۳۸۵)، *مکاتیب الائمة*، قم، دارالحدیث.
- جرجی زیدان (۱۳۷۲)، *تاریخ تمدن اسلامی*، ترجمه جواهرالعلم، تهران، امیرکبیر.
- حائری مازندرانی، ملا محمد (۱۳۹۰)، *معالی السبطين*، ترجمه رضا کوشاری، قم، انتشارات تهذیب.
- خوارزمی، محمد بن احمد (۱۴۲۳ق)، *مقتل الحسین علیهما السلام*، قم، انوارالهدی.
- دشتی، محمد (۱۳۷۷)، *فرهنگ سخنان امام حسین علیهما السلام*، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- دینوری، ابن قتیبہ (۱۳۸۰)، *الامامہ والسیاسہ*، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران، فقنوس.
- شیخ مفید (۱۳۷۶)، *ارشاد*، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران، ارشاد.
- طوسی، محمدحسن (۱۳۸۸)، *امالی*، ترجمه صادق حسن زاده، قم، اندیشه هادی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۱۵)، *بحارالانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی، غلامرضا (۱۳۸۸)، «نگاهی کوتاه به روش تحلیل محتوا»، پیام پژوهش، سال ۸، ش ۸۸.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۴)، *مروج الذهب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، *مجموعه آثار شهید مطهری*، قم، صدرا.
- یعقوبی، احمد ابن یعقوب (۱۳۷۱)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

